

بررسی و نقد دو نسخه‌ی مُصحَّح از دیوان ابن یمین فریومدی و ضرورت تصحیح مجدد آن

زهرا نصیری شیراز*

چکیده

ابن یمین فریومدی، شاعر معروف سده‌ی هشتم ه.ق. است که به سبب قطعاتش شهرت بسیار دارد. دیوان این سراینده- که عمری طولانی و پرمخاطره را در دستگاه ایلخانان مغول، امرای سربداری و پادشاهان آل کُرت به‌سرآورده- متضمّن ویژگی‌های منحصر به فردی است و فواید تاریخی و جامعه‌شناختی بسیاری را در بردارد. از سویی، دیوانی نه چندان کامل از این شاعر در سال ۱۳۱۸ (ه. ش.) شامل قطعات، مثنویات و رباعیات به‌اهتمام زنده‌یاد سعید نفیسی در تهران به چاپ رسیده و دیوانی نسبتاً کامل از وی، مشتمل بر قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات و... در سال ۱۳۴۴ (ه. ش.) به تصحیح حسینعلی باستانی راد در تهران انتشار یافته است. نظر به این‌که در دو تصحیح مذکور، اصول و روش‌های تصحیح انتقادی به‌کارگرفته نشده و دست‌یابی به نسخه‌های خطی متعدّد نزدیک به تاریخ وفات شاعر، در آن زمان برای مصحّحان مذکور میسر نبوده است؛ همچنین دو اثر مورد اشاره، در بردارنده‌ی همه‌ی سروده‌های ابن یمین نیست، تصحیح مجدّدی با روش انتقادی از این دیوان، بر اساس نسخه‌های معتبر موجود، ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله می‌کوشد که ضمن طرح اشکالات و نواقص دو چاپ مذکور، دلایل تصحیح مجدّد دیوان ابن یمین را بازگو نماید.

واژه‌های کلیدی: ابن یمین، دیوان، تصحیح، نقد، نسخه، قطعه، رباعی.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۲

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

zahra.nasirishiraz@yahoo.com

۱) مقدمه

نقد و تصحیح متون به عنوان نخستین و اساسی‌ترین گام در حفظ، بقا و نشر آثار ادبی کهن، از دیرباز امری شناخته شده و مهم تلقی گردیده است. (برای تفصیل درباره‌ی پیشینه‌ی نقد متون در تاریخ مطالعات ادبی ر.ک: امامی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۳) بر همین مبنا، محققان و سخن‌شناسان، احیای متون گذشته را در زمره‌ی مهم‌ترین و حیاتی‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و ادبی هر ملتی قرار می‌دهند و پژوهشگران و ادب‌دوستان، با وجود همه‌ی مشقاتی که این امر خطیر دارد، هرگاه مقدمات آن را فراهم بینند، به میدان آمده، از جان و دل می‌کوشند تا با رفع نواقص یک متن و پیراستن آن از عیوب عارضی، گرد مهجوری را از چهره‌اش بزدایند و آن را به شکل اصیلی که از قلم مؤلفش صادر گردیده یا دست کم نزدیک به آن صورت اصیل، تصحیح و تدوین کنند: «در اصطلاح، به آماده‌سازی متنی کهن بر اساس مقابله، سنجش و تصحیح نسخه‌های خطی آن- به گونه‌ای که متن نهایی فراهم آمده، نزدیک‌ترین صورت ممکن به نوشته‌ی مؤلف باشد- تصحیح متن می‌گویند.» (عمادی حائری، ۱۳۸۷: ۴) این فعالیت بنیادین، موجب می‌شود تا متونی پیراسته و پاکیزه که زمینه‌ی اصلی و محور اساسی فعالیت‌های دیگر محققان، منتقدان، لغویان، دستوریان، سبک‌شناسان و... بتواند بود، فراهم گردد؛ زیرا همان‌طور که گفته‌اند: «هرگونه نقد تاریخی یا ذوقی و یا لغوی که در باب آثار شاعران و نویسندگان پیشین بشود تا بر متون صحیح معتبر، متکی نباشد، سندیّت و اعتبار ندارد.» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۱۵؛ به نقل از زرین‌کوب، ۱۳۵۴، جلد ۱: ۹۴) بنابر آنچه گفته شد، احیا، حفظ و اشاعه‌ی گنجینه‌های ادب ارجمند فارسی، در شکل نو و علمی خود، یعنی تصحیح انتقادی متون، ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید و راهگشای بسیاری از معضلات در حیطه‌ی ادبیات خواهد بود.

۱-۱) پیشینه‌ی پژوهش

دیوان ابن یمین در قرن حاضر، دوبار تصحیح و چاپ شده است؛ نخستین بار شادروان سعید نفیسی دیوان مقطعات و رباعیات ابن یمین را به سال ۱۳۱۸ (ه. ش.) در انتشارات کتابخانه‌ی مروّج به زیور طبع آراست و در حدود سه دهه بعد، سال ۱۳۴۴ (ه. ش.) حسینعلی باستانی راد، اقدام به تصحیح دیوان کامل ابن یمین شامل قصاید، غزلیات، قطعات و... و چاپ آن در انتشارات کتابخانه‌ی سنایی نمود. از آن‌جا که در نیم‌قرن اخیر، همه‌ی تحقیقات پژوهندگان

احوال و اشعار ابن یمین، متکی به همین دو اثر، به‌ویژه اثر اخیر بوده و یگانه‌مرجع و ملجأ شعر ابن یمین و تنها دیوان کامل سروده‌های او، دیوان مصحح باستانی راد است، نگاهی دوباره به آن و بیان نواقص و نقایص آن، امری مهم و لازم است که ضرورت تصحیح مجدد دیوان را نیز تبیین می‌کند. دیوان مصحح نفیسی تاکنون مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است و از مجموعه‌ی کامل مصحح باستانی راد، تنها بخش غزلیات در پژوهشی که اخیراً صورت گرفته و به آن اشاره خواهد شد، بازبینی و اصلاح شده است.

۱-۲) ابن یمین فریومدی

امیرفخرالدین محمود بن امیر یمین‌الدین طغرای مستوفی بیهقی فریومدی، مشهور و متخلص به ابن یمین از شاعران معروف قرن هشتم هجری است. (ر.ک: صفا، ۱۳۵۱: ۹۶۵) وی برجسته‌ترین سراینده‌ی عصر مغول و دوره‌ی رواج سبک عراقی در خطه‌ی بلاخیز خراسان محسوب می‌شود. در این دوره‌ی تاریک و پرآشوب اگرچه بخش‌هایی از ایران، نظیر فارس و اصفهان و... (عراق عجم) به صورت پناهگاه‌هایی برای فرهنگ ایرانی درآمدند و به کوشش استادان بازمانده و پرورش دیدگان آنان، سلسله‌ی استادان پارسی‌گوی منقطع نگردید اما خراسان، مهد کهن ادب و فرهنگ پارسی، در این دوره کانون آشفتنگی، هرج و مرج، ویرانی و غارت ایلغارهای بنیان‌کن مغول و جانشینان ایشان بود. (همان: ۹۵۲) عصر مغول در ایران از سال ۶۱۶ هجری، آغاز می‌شود و به سال ۷۵۶ پایان می‌پذیرد. این دوره‌ی صد و چهل ساله، قابل تقسیم به دو دوره است: «الف. دوره‌ای که از سال ۶۱۶، یعنی حمله‌ی چنگیز به ایران آغاز می‌شود و به سال ۶۵۱ که سال حرکت هولاکو به سوی این سرزمین است، خاتمه می‌یابد. ب. دوره‌ای که از سال ۶۵۱، یعنی سال حرکت هولاکو به ایران آغاز می‌شود و به انجام کار انوشیروان در سال ۷۵۶ هجری، پایان می‌پذیرد.» (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۵) ابن یمین شاعری است که در دوره‌ی دوّم عصر مغول می‌زیسته است: «دوره‌ی دوم (۷۵۶-۶۵۱ ه.ق.) نیز خود به دو دوره تقسیم می‌شود: نخست، از سال ۶۵۱ یعنی، سال حرکت هولاکو به ایران که مبدأ تاریخ تشکیل حکومت ایلخانی محسوب می‌شود تا سال ۷۳۶، سال وفات ابوسعید بهادرخان بن اولجایتو. این دوره به‌خصوص روزگار فرمانروایی دو ایلخان بزرگ، غازان‌خان و اولجایتو، دوران طلایی و درخشان عصر ایلخانی به شمار می‌رود. دوم، از سال ۷۳۶ تا ۷۵۶ یعنی دوران ایلخانان

دست‌نشاندهی امرای متخاصم که دوره‌ی تنزل و افول طالع حکومت ایلخانی است. در این دوره بر اثر از بین رفتن اقتدار و وحدت حکومت و وقوع خصومت و اختلاف بین امرای دربار ایلخانان و ظهور امرای خودکامه و جاه‌طلب و خالی ماندن عرصه‌ی مملکت از امثال مشاوران و وزرای مقتدر و مدبر و دانشمندی چون خواجه نصیر طوسی و خواجه شمس‌الدین جوینی و خواجه رشیدالدین فضل‌الله، دنباله‌ی خدمات بزرگ و تدابیر حکیمانه‌ی آن رادمردان ایرانی، مهمل ماند. (مرتضوی، ۱۳۷۰: ۷ و ۸)... «در تاریخ ادبیات فارسی کمتر شاعری در دوران زندگی خود شاهد این همه انقلابات و تحولات سیاسی بوده است.» (ریپکا، ۱۳۶۴: ۴۶۹)

۱-۲-۱) کنش اجتماعی شعر ابن یمین

عصری که ابن یمین در آن می‌زیست، یکی از پرهرج و مرج‌ترین، پرحادثه‌ترین و درعین حال یکی از پرافتخارترین ادوار تاریخ ایران بعد از اسلام تا قرن هشتم هجری است که پس از یک قرن حکومت مغولان بر ایران، منجر به جنبش ضد مغولی و تشکیل حکومت ایرانی پنجاه ساله‌ی سربداران در خراسان گردید. (ر.ک: حکمت، ۱۳۵۳: ۲۸) نهضت سربداران به عنوان نهضتی شیعی و یگانه قیامی که در برابر ستم، فساد و انحطاط حکومت مغولان بر ایران، به توفیقاتی دست یافت، علی‌رغم عمر کوتاهش (۷۷۶ - ۷۳۶ ه.ق.) از اعتبار و شهرتی به‌سزا در تاریخ ایران برخوردار است؛ چنان: «که تأثیر افکار و عقاید سربداران در ادب فارسی، هنگام تحقیق و بررسی زندگی و آثار ابن یمین فریومدی که به عنوان شاعر سربداران شهرت دارد، روشن می‌شود.» (شادپور، ۱۳۸۰: ۳۳۷) وی سال‌ها از سر اعتقاد و میل باطنی خویش در محضر امیران سربداری، ضمن مدح و ستایش ایشان، به تبلیغ ایده‌ها و آرمان‌های این نحله‌ی مشهور سده‌ی هشتم هجری پرداخته است. ارادت قلبی شاعر نسبت به رهبران این مکتب و حمایت از اصول آن، یادآور شعر ناصر خسرو قبادیانی است که سرسلسله‌ی شاعران مسلک‌گرا در ادب فارسی محسوب می‌شود؛ هرچند سبک و سیاق کلام وی و درجه‌ی سخنوریش با ابن یمین، تفاوت بسیار دارد. (ر.ک: حقیقت، ۱۳۶۳: ۱۱) حمایت ابن یمین از امیران این جنبش و ارادت قلبی او نسبت به ایشان، زمانی به روشنی گویای کنش اجتماعی او محسوب می‌شود که جایگاه مردمی این سلسله و پایگاه معنوی آنان در میان مردمان خراسان آن روزگار، به‌خوبی شناخته شود. سویه‌ی مردمی این نهضت تا آن‌جاست که در فهرست

امیران این سلسله به نام‌هایی چون پهلوان عبدالرزاق باشتینی (۷۳۸-۷۳۶ ه.ق.)، پهلوان حیدر قصاب (۷۶۱-۷۵۶ ه.ق.) و پهلوان حسن دامغانی (۷۶۶-۷۶۲ ه.ق.) برمی‌خوریم. «روغنی» در مقاله‌ای با عنوان «خیزش پهلوانان در دوره‌ی مغول» به‌خوبی علل و عوامل قدرت گرفتن پهلوانان را در دوره‌ی خوارزمشاهیان و به‌ویژه در اوضاع آشفته‌ی اواخر حکومت ایلخانی بازکاویده و کارکرد اجتماعی این جریان را در پرچمداری اعتراضات مردمی علیه ظلم و جور حکومت نامشروع ایلخانی و جانشینان آن‌ها نشان داده است. (ر.ک: روغنی، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۰۹) در واقع «جنبش مردمی و دینی سربداران که بر اثر تلاش پیگیر رهبرانی آزاده و مردم‌دوست منجر به تشکیل دولت مستقل ملی و شیعه‌مذهب ایرانی سربداران در قسمتی از خاک ایران، خراسان غربی (بیهق - سبزوار) گردید، از لحاظ وسعت، بزرگ‌ترین و از نظر تاریخی مهم‌ترین جنبش خاورمیانه در قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) است که برای نخستین بار بر ضد فرمانروایان بیگانه و غارتگر مغول در ایران به وقوع پیوست.» (حقیقت، ۱۳۶۳: ۱۱) سرسلسله‌ی این حکومت، عبدالرزاق فرزند شهاب‌الدین فضل‌الله اهل قریه‌ی باشتین از قرای بیهق بود و نسبتش از جانب پدر به امام عالی‌مقام، حسین بن علی (ع) منتهی می‌شد و از سوی مادر به یحیی بن خالد برمکی. (ر.ک: خواندمیر، ۱۳۵۳، مجلد سوم: ۳۵۶) ابن یمین در سروده‌هایش گاه به این نسب فاخر امیران سربداری اشاره کرده است؛ هرچند که گفته شده: «این نسبت را نباید صحیح دانست.» (رشیدیاسمی، ۱۳۰۳: ۳۲) امیران سربداری از مهم‌ترین ممدوحان ابن یمین به شمار می‌روند. از میان سربداران، امیر وجیه‌الدین مسعود (۷۴۴ - ۷۳۸ ه.ق.) دومین امیر سربداری که بزرگ‌ترین پادشاه این سلسله‌ی کوچک لقب گرفته، (ر.ک: همان: ۳۶) از ممدوحان خاص شاعر است. ابن یمین در رکاب همین امیر و در جنگی که میان وی و ملک معزالدین حسین کرت (۷۷۲-۷۳۲ ه.ق.) در صفر سال (۷۴۳ ه.ق.) روی داد و به شکست امیر سربداری انجامید، دیوانش را از دست داد و پس از آن به دربار ملک معزالدین برده شد و از سوی وی تربیت یافت و چند سالی به مدح او مشغول بود. ابن یمین پس از رهایی مجدداً به امیران سربداری پیوست. تاج‌الدین علی (۷۵۳-۷۴۸ ه.ق.) مهم‌ترین ممدوح شاعر از میان امیران سربداری است و جانشین او خواجه نظام‌الدین یحیی کزّابی (۷۵۶-۷۵۳ ه.ق.) و سپس دو تن دیگر از آخرین امیران سربداری، یعنی پهلوان حسن دامغانی (۷۶۱-۷۶۰ ه.ق.) و خواجه علی مؤید (۷۸۳-۷۶۶ ه.ق.) نیز از ممدوحان شاعر به شمار می‌روند.

۱-۲-۲) ابن یمین، قطعه‌سرای بزرگ ادب فارسی

ابن یمین را از دیرباز در کنار انوری، از بزرگ‌ترین قطعه‌سرایان ادب پارسی نامیده‌اند. اگرچه شعر انوری از لحاظ استحکام و رشاق‌الفاظ و قوت معانی از شعر ابن یمین، برتر است اما مضامین اصلی شعر انوری بیشتر در قصیده و غزل است و در کنار آن‌ها بخش مهمی از قطعاتش را موضوعات فکاهی و هزل‌آمیز که غالباً فاقد جنبه‌های اخلاقی و بهره‌های اجتماعی است، تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که ابن یمین، قطعه را غالباً برای بیان موضوعات اخلاقی و اجتماعی به کار برده است. مجموعه و بخش مهمی از این قطعات دارای ارزش اخلاقی فوق‌العاده‌ای است و الحق جا دارد ابن یمین را سرسلسله‌ی قطعه‌سرایان اخلاق‌گرای ایران بنامیم. (ر.ک: مؤتمن، ۱۳۷۱: ۴۸-۴۷) در مجموعه مقالات کنگره‌ی بزرگداشت ابن یمین فریومدی (۲۸ شهریورماه ۱۳۷۶) که به اهتمام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سمنان در سال ۱۳۸۰ چاپ شده، چند مقاله به بررسی قطعات ابن یمین اختصاص یافته که «قطعه، قالب آرمانی ابن یمین»، «آزادگی و مناعت در قطعات ابن یمین»، «متابعت عقل پیر؛ نگاهی به دنیا در قطعه‌سرای ابن یمین» از جمله‌ی این مقالات است.

۲) ضرورت تصحیح و چاپ دیوان ابن یمین

دیوان ابن یمین به عنوان یکی از آثار برجسته‌ی سده‌ی هشتم، از جمله متونی است که به ویژه به سبب اشتها قطعات اخلاقی - حکمی شاعر، در صد و پنجاه سال اخیر مورد توجه مستشرقان و مصححان قرار گرفته است. گفتنی است که در طول سده‌های گذشته نیز همین امعان نظر به مقطعات شاعر سبب شده بود تا استنساخ دیوان وی منحصر به قطعات گردد و شکل کامل دیوان او به قولی «النادر کالمعدوم» باشد. (ابن یمین، ۱۳۴۴، مقدمه: الف) از سوی دیگر، ضایع شدن دیوان شاعر در زمان حیات وی، در اثنای جنگ وجیه الدین مسعود سربداری و پادشاه آل کرت در سال (۷۴۳ ه.ق.) حکایت از بی‌مهری‌ها و بداقبالی‌ها نسبت به این دیوان حتی در روزگار حیات شاعر دارد. (برای تفصیل ر.ک: خواندمیر، مجلد ۴، ۱۳۵۳، مقدمه: ۳) تلاش‌های پژوهشگران در صد و پنجاه سال اخیر در زمینه‌ی تصحیح، چاپ و نشر دیوان ابن یمین، اگرچه در قیاس با آثار شاعران طراز اولی چون سعدی، مولوی و حافظ، بسیار ناچیز بوده است و در واقع، شاعران درجه دومی چون ابن یمین، خواجه و... در قرن هشتم، در سده‌های بعد زیر سایه

و سطوت بلند و شکوهمند حافظ، کم‌تر به چشم آمده‌اند اما حقیقت آن است که غنای کم‌نظیر فرهنگ و ادب فارسی، به میزان قابل توجهی مرهون تراوش‌های فکر و ذهن و طبع و قریحه‌ی پرورده‌ی این دسته از شاعران است؛ بنابراین صیانت از این میراث‌های گران‌بها و کوشش به منظور زدودن کاستی‌ها و رفع نواقص آن‌ها و تلاش برای نشر صورتی پیراسته و شایسته از این آثار ارزشمند، بی‌گمان دلخواسته‌ی همه‌ی ادب‌دوستان و ادب‌پژوهان است. اکنون ضمن معرفی نسخه‌های چاپی دیوان و برشمردن ویژگی‌ها و بیان کاستی‌های هر یک، ضرورت تصحیح و بازبینی مجدد این دیوان، متذکر می‌گردد.

۲-۱) معرفی نسخه‌های چاپی دیوان ابن یمین

همان‌گونه‌که در آغاز اشاره شد، دیوان ابن یمین در قرن حاضر در ایران، دوبار تصحیح و چاپ شده و شایان ذکر است که دو دیوان چاپی، نخستین نمونه‌های مطبوعی اشعار ابن یمین به شمار نمی‌رود؛ بلکه پیش‌تر از تاریخ‌های مذکور، اشعار ابن یمین در نیمه‌های قرن نوزدهم در وین و کلکته به زیور طبع آراسته شده بوده که به اجمال به این دو اثر می‌پردازیم. شادروان نفیسی در مقدمه‌ی دیوان مصحح خود، این دو اثر را این‌گونه معرفی کرده است: «نخستین چاپ از اشعار ابن یمین در سال ۱۸۵۲ میلادی، به همت خاورشناس نامی اطریشی، شلختاوسهرد، شامل قطعاتی از او با ترجمه‌ی آلمانی در وین با عنوان (SchlechtaWsseherd : Ibn Yemins' Bruchtsucke Vienna 1852) انتشار یافته است.» (نفیسی، ۱۳۱۸: مقدمه: ب) این چاپ، حاوی تنها ۱۶۶ قطعه‌ی شاعر است؛ حال آن‌که دیوان ابن یمین، بالغ بر پانزده هزار بیت است و قطعات او بنابر آن‌چه در دیوان مصحح نگارنده‌ی این مقاله در قالب رساله‌ی دکتری، گردآوری شده، افزون بر هزار فقره است. نکته‌ی مهم‌تر این‌که چاپ مذکور، فارغ از جمیع اصول و موازین نقد و تصحیح متن، تنها به سبب فضل تقدّم آن به عنوان نخستین متن چاپی دیوان شاعر، قابل ذکر است و در واقع خاورشناس اطریشی صرفاً به منظور معرفی ابن یمین و شعر او به طبع بخش اندکی از سروده‌های وی، اقدام کرده است. دوم، مجموعه‌ای از مقطعات ابن یمین در ۲۱۶ صفحه‌ی کوچک به قطع پنج صفحه‌ای که در سال ۱۸۶۵ میلادی در کلکته، چاپ شده و عنوان آن چنین است: «کتاب قطعات ابن یمین من تصنیفات ابن یمین فریومدی، به اعانت جماعه اشاعه علوم، در مطبع مظهر العجایب واقع در محله تالتلا من محلات شهر کلکته، حلیه طبع پوشیده.» (همان:

ب و پ) گفتنی است که نواقص چاپ پیشین، از نظر عدم شمول بر کلیت قطعات شاعر و نیز فقدان شیوه‌ی علمی در تصحیح، بر این اثر هم، مترتب است.

۲-۱-۱) دیوان قطعات و رباعیات ابن‌یمین، به تصحیح و مقدمه‌ی سعید نفیسی

این مجموعه، نخستین اثر چاپی از سروده‌های ابن‌یمین در ایران است که به همت شادروان نفیسی و با سرمایه‌ی انتشارات کتابفروشی مروّج در تهران به سال (۱۳۱۸ه.ش.) منتشر شده و چنان‌که از عنوان برمی‌آید، اثر مذکور حاوی مقطعات و رباعیات شاعر است. نفیسی در دیباچه‌ی این اثر، ضمن شرح مختصری از احوال شاعر، به معرفی اجمالی ممدوحان وی (پادشاهان، وزیران و بزرگان روزگار او) پرداخته است و سپس به چاپ مجموعه‌های ناقص دیوان شاعر در خارج از ایران، وین و کلکته که پیش‌تر به آن‌ها پرداخته شد، اشاره کرده است. مصحح، چنان‌که در مقدمه متذکر شده، در بادی امر، در صدد بوده که مجلد نخست را به قطعات و مثنویات و رباعیات ابن‌یمین اختصاص دهد و در مجلدات بعد به قصاید و غزلیات شاعر بپردازد؛ حال آن‌که مجلد نخست که اکنون در دسترس ماست، تعدادی انگشت‌شمار از رباعیات شاعر و بخشی از مثنویات او را در بر دارد و مجلدات بعدی هرگز تکوین نیافته‌اند. اکنون ضمن ارج نهادن به زحمات ادیب بزرگی که در کثرت آثار، اعم از تحقیق، تألیف، ترجمه و تصحیح از نوادر روزگار ماست، دیوان ابن‌یمین مصحح ایشان را بررسی می‌کنیم؛ گفتنی است چنان‌که دیگران نیز پیش‌تر اشاره کرده‌اند، شوق ایشان در ارائه‌ی خدمات فرهنگی و شتابی که برای انجام دادن کارهای به زمین مانده در گستره‌ی ادب فارسی داشته‌اند، مانع از رعایت دقیق اصول و موازین علمی در برخی از آثارشان شده است. در بخش پایانی دیباچه، مصحح محترم ضمن معرفی نسخه‌هایی که در تصحیح دیوان شاعر مورد استفاده قرار داده است، روش تصحیح خود را شرح می‌دهد: «این مجلد که اکنون به دست خوانندگان عزیز می‌رسد، تنها شامل مقطعات و مثنویات و رباعیات اوست. نخست مقطعات اخلاقی او را از روی سه نسخه‌ی قدیم و جدید که داشتم، چاپ کردم و در میان آن‌ها نسخه‌ی بسیار معتبری هست که هرچند تاریخ ندارد ولی از خط و کاغذ پیداست که در اوایل قرن نهم و متها صد سال پس از فوت ابن‌یمین نوشته شده است و بدین وسیله، قسمت اول این مجلد تا پایان صحیفه‌ی ۱۳۳ فراهم شد و سپس این قسمت را با نسخه‌ای که در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی ایران هست و نسبتاً نسخه‌ی جامعی

است، مقابله کردم و آنچه بر قسمت اول، فزونی داشت، در ضمایم این مجلد از صحیفه‌ی ۲۶۰ تا ۲۶۶ جا دادم و مقطعات دیگری را که در سه نسخه‌ی اساس من نبود، در قسمت دوم این مجلد از صحیفه‌ی ۱۳۴ تا ۲۵۹ چاپ کردم و بیش‌تر آن‌ها مقطعاتی است که در مدح و شکایت و تقاضا و گله و یا در لغز و معما و تواریخ و ترجمه از اشعار تازی، سروده و یکی چند قطعه‌ی تازی نیز در میان آن‌ها هست و در ضمن، شامل همه‌ی مثنویات و رباعیات اوست و چند قطعه‌ی اخلاقی هم دارد که بر قسمت اول این مجلد باید افزود.» (نفیسی، ۱۳۱۸: مقدمه)

۲-۱-۱ (۱-۱-۱) معرفی و بررسی نسخه‌های مورد استفاده‌ی نفیسی

نفیسی چنان‌که خود تصریح کرده، ابتدا از سه نسخه‌ی قدیم و جدید استفاده نموده و سپس «مقطعات دیگری را که در سه نسخه‌ی اساس» ایشان نبوده است و ظاهراً از نسخه‌ای که بر ما کاملاً پوشیده است، بر متن افزوده؛ بنابراین ایشان مجموعاً از چهار نسخه استفاده کرده است: الف) نسخه‌ای «بسیار معتبر متعلق به قرن نهم... این نسخه، تاریخ کتابت ندارد ولی از خط و کاغذ پیداست که در اوایل قرن نهم، منتها صدسال پس از فوت ابن یمن نوشته شده است» (همان: پ) که از اول تا صفحه‌ی ۱۳۳ را در برمی‌گیرد. ب) نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی ایران که تنها شش صفحه از آن در ضمایم کتاب از صفحه‌ی ۲۶۰ تا ۲۶۶ آمده است. ج) سفینه‌ای که در کتابخانه‌ی شهرداری اصفهان نگهداری می‌شود و یکی از غنایم گران‌بهای قرن هشتم است؛ با عنوان: بیاض خواجه تاج‌الدین علی [احمد؟] از وزیران قرن هشتم، ساکن شیراز (همان: پ و ت) و در همان بخش نخست، از آغاز تا صفحه‌ی ۱۳۳ از آن استفاده شده است. د) نسخه‌ای نامعلوم که دقیقاً نیمی از کتاب را دربرگرفته است: «مقطعات دیگری را که در سه نسخه‌ی اساس من نبود، در قسمت دوم این مجلد از صحیفه‌ی ۱۳۴ تا ۲۵۹ چاپ کردم.» (همان) چنان‌که مشهود است، مصحح محترم از میان نسخه‌های معتبر موجود که تعداد قابل توجهی است - چنان‌که خواهد آمد - صرفاً از چهار نسخه استفاده کرده است. گذشته از قلت نسخه‌ها، ماهیت و هویت سه نسخه از چهار نسخه نیز بر مخاطب مکتوم است. معرفی نسخه‌ها، بسیار کلی و درهم آمیخته و بالکل فاقد نشانه‌ها و قرینه‌هایی است که بتواند ما را به نسخ مورد استفاده‌ی ایشان رهنمون کند؛ گفتنی است جز نسخه‌ی سوم که مجموعاً شامل سی قطعه از شاعر است و ضمن معرفی نسخه‌ها به آن اشاره می‌شود، از کم و کیف دیگر نسخ مورد

استفاده‌ی ایشان، اطلاعاتی در دست نیست؛ نسخه‌ی «جدید» در سه نسخه‌ی اساس (؟) کدام است و نسخه‌ی چهارم که نیمی از دیوان مصحح از آن است، متعلق به کی و کجاست؟ از آنجا که «یکی از راه‌ها و طرق شناخت هر چیزی، آگاهی داشتن از اجزایی است که مجموع کلیت آن چیز را می‌سازد» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۸۴) اطلاعات نسخه‌شناسی، نخستین پله از نردبانی است که مخاطب را به ساحت اصالت و اعتبار یک متن، نزدیک می‌سازد و امکان ارزیابی اثر را برای او مهیا می‌کند: «سهم نسخه‌شناسی در تصحیح کتاب‌های خطی، سهمی است سازنده و بسیار مهم... این سهم با اهمیّت به حدّی است که مصححان آگاه و حاذق و کارکرده، یکی از ارکان مسلم تصحیح علمی و انتقادی را شناخت علمی از نسخه‌های معتبر نگارش‌های خطی دانسته‌اند.» (همان: ۱۷۴) این شناخت در واقع مجموعه اطلاعاتی است در باب تاریخ نگارش نسخه، اسلوب نگارش آن، شبکه‌ها و کاتبانی که در تاریخ فرهنگ به کتابت و استنساخ اهتمام کرده‌اند، تأثیر گونه‌ی زبانی کاتب در کتابت و... که در فرآیندی سه مرحله‌ای شامل شناخت توصیفی نسخه‌ها، شناخت تاریخی نسخه‌ها و شناخت تطبیقی نسخه‌ها حاصل می‌شود. (ر.ک: همان: ۱۷۵-۱۷۴) تردیدی نیست که فقدان یا کمبود این اطلاعات، زمینه‌ساز ایراد نقایص متعدّد بر اثر است و از ارزش علمی آن می‌کاهد.

۲-۱-۱-۲) روش تصحیح متن و ارائه‌ی برخی از نواقص در نسخه‌ی نفیسی

بنابر آنچه نفیسی در تشریح شیوه‌ی کار خویش در دیباچه ذکر کرده است و به آن اشاره شد، نشانی از مراحل مقدماتی کار، شامل نسخه‌یابی، نسخه‌شناسی و... نیست، مقایسه و مقابله‌ای بین نسخه‌ها صورت نگرفته و نسخه‌ی اساس مشخص نشده است. درواقع، مصحح سه نسخه در اختیار داشته و بارها به تصریح، هر سه را «نسخه‌ی اساس» خوانده است ولی نسخه بدلی در کار نیست که ذکر اختلافات، ترجیح و جوه راجح و... در متن اعمال شود. به بیان دیگر، هیچ‌یک از روش‌های معروف تصحیح متن، یعنی تصحیح بر مبنای نسخه‌ی اساس، تصحیح التقاطی، شیوه‌ی بینابین و تصحیح قیاسی (ر.ک: همان: ۲۸۱-۲۷۷) در این اثر به کار گرفته نشده و ایشان چنان‌که تصریح کرده، نخست نسخه‌ی اوّل خود را در ابتدای دیوان قرار داده و سپس به مقایسه‌ی آن با نسخه‌ی دوّم پرداخته و موارد اضافه در نسخه‌ی دوّم را به متن خود افزوده است؛ بنابراین در ترتیب قافیه‌ها دوبار با قطعات مختوم به «الف» تا «ی» روبه‌رو می‌شویم! فقدان روشی مشخص

و کارآمد در تصحیح متن، سبب‌ساز بروز معایب آشکار این چینی در این اثر شده است و ایشان نهایتاً اشعار نویافته‌ای را که در نسخه‌ی ناشناس، علاوه بر این دو نسخه، یافته به آن افزوده و کار را خاتمه داده است. از طرفی، این اثر اگرچه عنوان «دیوان قطعات و رباعیات» را بر خود دارد اما صرفاً هجده رباعی از مجموعه رباعیات شاعر را در بر گرفته؛ حال آن‌که مجموعه رباعیات شاعر، قریب به هشتصد فقره است. در این اثر، بخشی از مثنویات شاعر هم آمده؛ بی‌آن‌که در عنوان اثر، ملحوظ شده باشد. نهایتاً مصحح در مقدمه، وعده کرده است که مجلد دوم و سوم نیز به غزلیات و قصاید و ترکیب‌بند و... اختصاص خواهد یافت اما به این کار توفیق نیافته است. اکنون چیزی بیش از همین مجموعه‌ی مذکور در باب ابن یمین از استاد نفیسی در دست نیست. از طرف دیگر، این اثر مجموعاً حاوی ۵۱۳۹ بیت است: ۴۷۸۴ بیت قطعه، ۳۲۰ بیت مثنوی و ۳۴ بیت رباعی؛ بنابراین از حیث کمیت اشعار نیز قابل تأمل است. (براساس تصحیحی که نگارنده، در قالب رساله‌ی دکتری ترتیب داده و صرفاً مشتمل بر قطعات و رباعیات شاعر است، مجموع این دو، بالغ بر هفت هزار بیت و تعداد رباعیات، قریب به هشتصد فقره است.) همچنین در این چاپ، ابیات مخدوش و مغلوط بسیاری به چشم می‌خورد که به سبب عدم ارائه‌ی نسخه بدل‌ها، دست‌یابی به صورت صحیح آن‌ها برای مخاطب امکان‌پذیر نیست و پرداختن به این معضل، به تنهایی می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد. به علاوه، این اثر اغلاط چاپی متعددی دارد که از غلطنامه‌ی موجود در پایان آن، فوت شده و بعضاً سبب ابهام، بدخوانی و بدفهمی خواننده می‌شود. در مجموع، اثر مذکور شرایط تصحیح انتقادی به معنای علمی آن را ندارد. در این جا به مواردی از ضبط‌های دیوان مذکور اشاره می‌شود (عدد راست، شماره‌ی صفحه و عدد چپ، شماره‌ی بیت است):

تیر گردون ز رشک خامه‌ی او در گمان اوفتد گه انشا
(نفیسی: ۲۶۷۵/۱۳۵)

ضبط صحیح بیت، چنین است:... در گمان اوفتد گه انشا. کمان (قوس) خانه‌ی وبال تیر (عطارد، دبیر فلک) است که به سبب ضبط غلط متن، مبالغه‌ای که در وصف توان نویسندگی ممدوح مورد نظر بوده و از رهگذر تناسبی نجومی باید تصویر می‌شده، یک‌سره مخدوش گشته است.

روزگارم ز تیغ معدلتت چون شب دیو شد ز تیر شهاب
(نفیسی: ۲۷۲۶/۱۳۸)

شاعر مشغول مدح مبالغه‌آمیز ممدوح است و به وصف عدالت او رسیده اما چنان‌که مشهود است، معنای محصل بیت، فاسد است. ضبط صحیح بیت، مبتنی بر دیگر نسخه‌ها چنین است: روز ظالم ز تیغ معدلتت... . ضبط اخیر، ضمن رفع ابهام از معنا، تقابل «روز» و «شب» را در دو ترکیب «روز ظالم» و «شب دیو» در خود دارد و تقابل «ظلم» و «معدلت» را نیز نباید در ضبط صحیح بیت، از نظر دور داشت.

این سخن دیدم نیامد رای انور را پسند
وز جبینت گشت پیدا خصم پنهانی مرا
(همان: ۸۰/۵)

که ضبط راجح بیت، چنین است: ... وز جبینت گشت پیدا خشم پنهانی مرا. آشکار است که خاطر انور ممدوح، سخن شاعر را نپسندیده و مکدر شده و آثار این وضع بر وجناتش عیان گشته؛ بنابراین، ضبط «خصم» که نسخه‌ای هم آن را تأیید نمی‌کند، مردود است.

۲-۱-۲) دیوان اشعار ابن یمین، به تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی راد

این اثر، اولین مجموعه‌ی چاپ شده‌ی کاملی است که تمامی آثار شاعر اعم از قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات، مثنویات، ترکیب و ترجیع بند و مستزاد، ماده تاریخ و فیات و وقایع، قطعات عربی، چیستان‌ها، مکاتیب و منشآت وی را در بردارد. این مجموعه که قریب به پانزده هزار بیت است، تنها دیوان کامل اشعار ابن یمین محسوب می‌شود و در پنجاه سال اخیر، مرجع مستند همه‌ی پژوهندگان اشعار و احوال ابن یمین بوده است. مصحح ارجمند، مقدمه‌ی مفصّلی در آغاز دیوان مشتمل بر تاریخ حیات و وفات شاعر و کسانش، مدت حیات شاعر، اقوال تذکره‌های مختلف در باب شاعر و مولد و منشأ او، ممدوحان، فرزندان و آیین و اخلاق و عقیده‌ی شاعر آورده و نهایتاً در بحثی اجمالی، به معرفی نسخه‌های مورد استفاده‌ی خود پرداخته است. باستانی راد مجموعاً از پنج نسخه استفاده کرده که در مقدمه از آن‌ها یاد می‌کند: «نخست، نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس که قافیه‌ی اشعار در آن مردف به حروف تهجی نیست و لذا مصحح، موفق به استفاده از آن نشده است. دوم، نسخه‌ی نفیس کتابخانه‌ی سلطنتی که پس از اتمام چاپ، به دست مصحح رسیده است. سوم، نسخه‌ای حاوی پانصد

بیت متعلق به قرن دوازدهم. چهارم، نسخه‌ی چاپی مصحح استاد سعید نفیسی که به آن اشاره شد و نهایتاً نسخه‌ی اساس متعلق به مصحح در مجلدی ۷۰۸ صفحه‌ای که در متن، غزلیات امیر خسرو دهلوی نوشته شده و در حاشیه‌ی دیوان ابن یمین آمده است؛ به خط نستعلیق زیبای درویش محمد کاتب، مورخ به سنه‌ی ۹۲۱ ه.ق.» (ابن یمین، ۱۳۴۴: مقدمه) ضمن ارج نهادن به کوشش‌های حسینعلی باستانی راد که نخستین بار موفق به عرضه‌ی دیوان کاملی از ابن یمین شده، ارزیابی تصحیح او را با بررسی نسخه‌های مورد استفاده‌ی وی آغاز می‌کنیم.

۱-۲-۱-۲) نسخه‌های مورد استفاده‌ی مصحح: اولین نکته‌ای که باید بر آن انگشت نهاد، این است که مصحح اگرچه مجموعاً از پنج نسخه نام برده ولی از این میان، تنها از سه نسخه استفاده کرده است. نسخه‌ی مجلس به سبب این که «مردف به حروف تهجی نیست»، بلااستفاده مانده و نسخه‌ی نفیس کتابخانه‌ی سلطنتی «پس از اتمام چاپ، به دست مصحح رسیده است.» (همان) سه نسخه‌ی باقی مانده، یکی نسخه‌ای است متعلق به قرن دوازدهم و صرفاً مشتمل بر ۵۰۰ بیت (مجموعه سروده‌های شاعر حدود پانزده هزار بیت است) که قَلت حجم و نیز تاریخ کتابت آن و همچنین فقدان قرآنی که ارج و اعتبار این نسخه را تضمین کند، ارزش آن را از دیدگاه نقد متن‌شناختی مورد تردید قرار می‌دهد. دومین نسخه، نسخه‌ی چاپی شادروان نفیسی است که پیش‌تر شرح آن رفت و مهم‌ترین نسخه که مصحح آن را «نسخه‌ی اساس» نامیده و متعلق به ایشان است و تاریخ کتابت آن، نیمه‌ی اول قرن دهم قید گردیده، در دو سطر به مخاطب معرفی شده است. اطلاعات نسخه‌شناسی ارائه شده، اندک است و مبهم؛ چنان‌که ارزیابی تصحیح را از این حیث با دشواری روبه‌رو می‌کند؛ هر چند قَلت منابع تصحیح، خود گویای کاستی‌هایی است که در این متن مصحح به چشم می‌خورد.

۲-۱-۲-۲) روش تصحیح متن: نکته‌ی قابل توجه این است که تصحیح مورد بحث، با این که در دهه‌ی چهل و قریب به سه دهه پس از دیوان مصحح مرحوم نفیسی انجام گرفته و در این مدّت، تجربه‌های درخشانی در حوزه‌ی تصحیح انتقادی متون به ثبت رسیده، همچنان گرفتار همان ضعف‌ها و کاستی‌هاست: نشانی از مقابله‌ی نسخه‌ها، رجحان یک ضبط و مرجوح دانستن ضبط نسخه یا نسخه‌های دیگر به چشم نمی‌خورد؛ بعضاً در زیرنویس، اشاره‌ای به ضبط «نسخه‌ی

چاپی» شده که مقصود، دیوان مقطعات و رباعیات مصحح استاد نفیسی است اما همین موارد نیز بسیار معدود است. این که مصحح، عنوان «نسخه‌ی اساس» را بر نسخه‌ی تحت تملک خویش اطلاق کرده، ناظر بر طی مراحل چندگانه‌ی مقدماتی تصحیح علمی متن - که به گزینش نسخه‌ی اساس می‌انجامد - نیست بلکه وی از باب اهمیت و جامعیت نسخه‌ی مورد بحث، این نام را بر آن نهاده است. در مجموع می‌توان چنین استنباط کرد که باستانی راد، نه به قصد تصحیح انتقادی دیوان ابن یمین - که متضمن گردآوری نسخه‌ها، سنجش و گزینش نسخه‌ی اصح و اقدم و مقابله‌ی آن با سایر نسخه‌ها، انتخاب شیوه‌ی تصحیح و... است - بلکه بیش‌تر به نیت آن که امکان دست‌یابی جامعه‌ی محققان و ادب‌دوستان را به نسخه‌ی منحصر به فرد خویش فراهم آورد، به چاپ دیوان مبادرت ورزیده است: «ایشان ده‌ها سال با نسخ خطی، مربوط بوده و مالک هزاران نسخه‌ی خطی نفیس و معتبر بوده است. بیش‌تر این نسخه‌ها را با یادداشت‌های خود معرفی کرده و محتوای آن‌ها، تازه‌ها و ارزش آن‌ها را بازنموده است.» (جعفریان، ۱۳۹۶: ۱۲) البته این خود، تلاشی مأجور است و ستودنی؛ هرچند با روش انتقادی تصحیح متن، فاصله‌ی بسیار دارد.

۲-۱-۲-۳ بررسی بخش‌های دیوان مصحح باستانی راد: بخش اول دیوان مصحح باستانی راد به قصاید ابن یمین اختصاص دارد. این بخش از لحاظ کمیت و صحت متن هنوز مورد مذاقه قرار نگرفته است. بخش دوم دیوان که دربردارنده‌ی غزلیات شاعر است و در کنار قصاید، نیمی از دیوان ابن یمین را تشکیل می‌دهد، اخیراً مورد بازبینی و تصحیح انتقادی قرار گرفته و در مقاله‌ای با عنوان «نقد تصحیح غزلیات ابن یمین فریومدی» به کم و کیف آن اشاره شده است. (ر.ک: هراتیان، ۱۳۹۶: ۱۷۰-۱۵۷) بخش سوم این دیوان، شامل قطعات، مثنویات، رباعیات، ترجیعات، ماده تاریخ‌ها و... است که نگارنده در پژوهشی با عنوان «تصحیح انتقادی دیوان مقطعات و رباعیات ابن یمین» در قالب رساله‌ی دکتری، ضمن پیراستن متن از اغلاط راه یافته به آن، حدود دو‌یست قطعه بر آن افزوده است. (تعداد قطعات در دیوان مصحح باستانی راد، ۸۹۴ فقره است.)

۲-۱-۲-۴ ابن یمین فریومدی یا شبورغانی: نکته‌ی مهمی که در پایان این مبحث لازم است ذکر شود، هم‌نام بودن ابن یمین با شاعری است که در قرن دهم هجری در ناحیه‌ی شبورغان، شهری از شهرهای جوزجان واقع در نزدیکی بلخ، می‌زیسته و دیوانی بالغ بر دو هزار بیت از او به جا

مانده است. شهرت ابن یمین فریومدی، گمنامی شاعر مذکور، انحطاط و افول فرهنگی (و به تبع آن، انحطاط ادبی) پس از حمله‌ی مغول، تنزل کیفی نسخه‌های خطی و از همه مهم‌تر، سکوت اغلب منابع تاریخی و تذکرها درباره‌ی ابن یمین شبورغانی، از جمله عواملی است که هویت و آثار دو شاعر را در محلّ خلط و اشتباه قرار داده؛ تاجایی که در نسخه‌ی خطی دیوان ابن یمین در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، محشی به قلم علامه دهخدا، در بخش غزلیات، صحت انتساب بسیاری از سروده‌ها به ابن یمین فریومدی رد شده است. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «کدام ابن یمین؟ فریومدی یا شبورغانی؟» که در همایش ادبیات غنایی ارائه شده، به سهوی که از این رهگذر به یکی از برجسته‌ترین فهرست‌های نسخ خطی راه یافته، اشاره کرده است. گفتنی است در دیوان مصحح باستانی راد، بی‌آن که در مقدمه‌ی مبسوط آن، اشاره‌ای به این مسأله شده باشد، خلط‌هایی از این دست، صورت گرفته که لازم است، متن اشعار ابن یمین از آن‌ها پیراسته شود در این جا برای نمونه به مواردی از اصلاحات اشاره می‌شود. (عدد اول از سمت راست، شماره‌ی قطعه و عدد دوم، شماره‌ی بیت، در آن قطعه است):

نبود فرق در جهانگیری ذره آفتاب و شعر مرا (باستانی‌راد: ۴/۲۷)
 نبود فرق در جهانگیری ذره‌ای ز آفتاب و شعر مرا

چنان‌که مشهود است، شاعر در مقام تفاخر به شعر خود، بر آن است که در صفت عالمگیربودن، شعرش ذره‌ای با آفتاب فرق ندارد و شعر او عالمگیر است؛ همان‌طور که نور خورشید، عالم را فرامی‌گیرد. تناسب بین «ذره» و «آفتاب» نیز در ادب فارسی، به‌ویژه شعر عرفانی معروف است؛ تا جایی که «زلالی خوانساری» ملک‌الشعرای دربار شاه‌عباس صفوی، منظومه‌ی مستقلی را به این معاشیق ادبی اختصاص داده است. (ر.ک: شریفی، ۱۳۸۷: ۷۴۷) از سویی، ترکیب اضافی «ذره آفتاب» ضمن این که توجیه معنایی ندارد، فاقد تناسب هنری و مضمونی مورد نظر شاعر است.

چون هست و نیست نمآند به یک قرار آن به کزان به یاد نیارد دل تو را
 (باستانی‌راد: ۳/۴)

مصراع اول، اشکال وزنی دارد که برخاسته از اسقاط یک واژه‌ی دوهجایی در آن است و ضبط درست مصراع مذکور، چنین است: چون هست و نیست جمله نمآند به یک قرار... در قطعه‌ی ۱۴ از دیوان باستانی راد، بیت دوم چنین است:

پیراهن خود تحفه فرست ای پسر و گوی القره علی وجه ابی یأت بصیرا
(باستانی راد ۲/۱۴)

مصراع دوم، مأخوذ است از آیه‌ی ۹۳ از سوره‌ی یوسف: اذهبوا بقمیصی هذا فآلقوه علی وجه ابی یأت بصیرا و اتونی بأهلکم أجمعین: این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید تا بینا شود و همه‌ی نزدیکان خود را نزد من آورید. (قرآن کریم، ۹۳/۱۲) بنابراین ضبط صحیح «الْقَوْه...» است و ضبط «قُرّه» که موهم ترکیب «قره‌العین» است، به معنی روشنی چشم و مجاز از فرزند عزیز و ظاهراً متناسب با «پسر» در مصراع اول، این‌جا هیچ وجهی ندارد.

زمانه چندگهی در هوای بوک و مگر امید داده به امید ثم خیر مرا
(باستانی راد ۲/۲۵)

حشو مشهود در مصراع دوم، در ضبط متکی بر دیگر نسخه‌ها چنین است: ... غرور داد به امید ثم خیر مرا. ضبط «غرور داد» به معنی «فریفت» ملائم طبع «زمانه»، نهاد جمله است و از مضامین مکرر شعر فارسی محسوب می‌شود.

ای نسیم صبحگاهی بر تو جان افشان کنیم گر کنی آگه ز حالم خواجه نصرالله را
(همان: ۱/۵)

چنان‌که از مصراع دوم برمی‌آید و دیگر نسخه‌ها نیز آن را تأیید می‌کنند، مصراع اول چنین است: ای نسیم صبحگاهی بر تو جان افشان کنم ...

باد باقی که بلبل طبعش کرد گلزار طبع را بنوا
(همان، ۱۲/۲۴)

تکرار واژه‌ی «طبع»، سبب ایجاد اختلال در معنای بیت شده؛ لذا ضبط اصلاح شده‌ی بیت این است: ... کرد گلزار فضل را بنوا؛ که بیت ششم از همین سروده، ضبط اصلاحی را تأیید می‌کند:

گلبن فضل را به آب سخن کس چو طبعش نداد نشو و نما
(همان)

در جنابت ظلمت از روز شبابم محو گشت

زین خوشم چون تیره شب روشن شد از انوار شیب

(همان: ۴/۳۳)

این بیت از قطعه‌ای است که شاعر در اثنای آن، ضمن یادکرد از ارادت دیرینه‌اش به ممدوح (از روز جوانی تا پیری) خواهان التفات بیش‌تر او نسبت به خود شده و حُسن طلب نیز دارد؛ چنان‌که بیت بعد، این نکته را به‌خوبی نشان می‌دهد:

پیش ازین با من عنایت بیش ازین بودی مرا

لَیس فی ما یُدَّعیه العبد یا مولای ریب

(باستانی‌راد: ۵/۳۳)

چنان‌که مشهود است شاعر با لحنی گلایه‌آمیز در صدد جلب حمایت و توجّه ممدوح است و حال خوشی ندارد؛ پس ضبط «زین خوشم» ضمن این‌که توجیه عقلی ندارد، نتیجه‌ی قابل قبولی نیز برای مقدمه‌ای که شاعر آورده (پیر شدن) نمی‌تواند باشد: پیر شدن سبب شادی و خوشحالی نمی‌شود؛ بنابراین ضبط راجح بیت این است:

در جنابت ظلمت از روز شبام محو گشت

وین خَط چون تیره شب روشن شد از انوار شیب

یعنی: در حضرت تو، موی و محاسن سیاه من به سپیدی گراییده است. مقصود از خط، ریش و سبلت یا همان موی روئیده بر عارض است. (دهخدا: ذیل خط) که به مرور، گرد پیری بر آن می‌نشیند و سفید می‌شود.

جور و جفای چرخ سرآمد به فضل حق اکنون ز خاک می‌دمد از بهر من، رطب

(همان: ۴/۴۵)

ضبط صحیح ترکیب آغازین بیت که در نسخه‌ها نیز آمده، چنین است: دور جفای چرخ سرآمد به فضل حق... ضمن توجّه به تناسب واژه‌ی «دور» با «چرخ»، قرینه‌ی «دور وفا» در بیت دیگری از همین سروده، مؤید ضبط مذکور است:

با من سپهر، دور وفا گر ز سرگرفت آن را سبب نه کس ز عجم بود و نه عرب

(همان)

شعری ز نثره رشک بر نظم و نثر من پاک آن نسب که زیور او باشد از حسب

(همان: ۱۱/۴۵)

کاربرد حروف در تصحیح متن، نکته‌ی ظریفی است که دقت بسیار می‌طلبد و گاه ضرورت می‌یابد، متون معاصر متن مورد نظر، به دقت کاوش شود تا حرف ملازم کلمه یا ترکیب محل تردید، مشخص گردد. در بیت مذکور، قرار گرفتن حرف اضافه‌ی «ز» بین «شعری» و «نثره» مصراع اول را نامفهوم کرده است. «شعری و نثره» نام ستارگانی درخشانند در صورت‌های فلکی کلب و خرچنگ که از دیرباز در شعر منوچهری، ناصر خسرو، انوری و... با دلالت‌های روشن لفظی و معنوی به کار رفته‌اند: «شعرای یمانی، ستاره‌ای در صورت فلکی کلب اکبر و از درخشنده‌ترین کواکب آسمان است... بنابر افسانه‌ها شعرای یمانی، خواهر سهیل و شعرای شامی است... در ادب فارسی هر جا که مطلق "شعری" یا "شعری‌العبور" آمده، منظور همین شعرای یمانی است که به عنوان مظهر بلندقدری و اعتلا و درخشندگی و فخر و سعادت، مورد اشاره قرار گرفته است.» (شریفی، ۱۳۸۷: ۸۹۵)

از سویی: «نثره»، نام هشتم منزل ماه است و آن را ملازه‌ی شیر هم گفته‌اند و در شعر انوری، جمال‌الدین اصفهانی و رشید وطواط به رعایت جناس اشتقاق، نثره با نثر و نثار و به رعایت صنعت مؤاخات با شعری و طرفه، دو منزل دیگر از منازل قمر، همراه شده است:

رسد در ثنای تو نثرم به نثره کشد در مدیح تو شعرم به شعری (انوری)

ز نثر و شعرم فلک، نثره و شعری بر د ز لفظ پاکم صدف، لؤلؤ و مرجان کند (جمال‌الدین اصفهانی)

(مصفا، ۱۳۸۸: ۷۸۳)

مطابق ضبط مذکور، معنای بیت، مخدوش و مقصود شاعر، ضایع است. از سوی دیگر، حرف اضافه‌ی ملازم «رشک بردن»، «به» است نه «ز»؛ یعنی: شعری به شعر شاعر و نثره به نثر او رشک می‌برند؛ بنابراین ضبط راجح مصرع چنین است: شعری و نثره، رشک بر نظم و نثر من....

۳) ضرورت تصحیح مجدد دیوان ابن یمین

پس از بررسی دیوان اشعار ابن یمین، یکی مصحح مرحوم نفیسی و دیگری به تصحیح شادروان باستانی راد و شناسایی نواقص و نقایص آن‌ها، نیز مطالعه در باب شعر ابن یمین و جایگاه این شاعر خراسانی در عصر رواج سبک عراقی و دوره‌ی پرآشوب ایلخانی، نگارنده‌ی این مقاله کوشیده است که به تصحیح مجددی از دیوان او بر اساس نویافته‌ترین نسخ خطی اقدام کند؛ به همین منظور به جست‌وجوی نسخه‌های خطی اشعار ابن یمین پرداخته و توانست

است، چند نسخه فراهم آورد که تاریخ کتابت برخی از آن‌ها به اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم می‌رسد. (ابن یمین متوفی به سال ۷۶۹ ه.ق. است و تنها دیوان موجود اشعار او، مصحح باستانی راد، بر اساس نسخه‌ای است که سال ۹۲۱ ه.ق. کتابت شده است.) نگارنده سپس تصحیح انتقادی مهم‌ترین بخش از دیوان ابن یمین، یعنی مقطعات او را به انضمام رباعیات شاعر - که نیمی از دیوان پانزده هزار بیتی او را در بر می‌گیرد - در قالب رساله‌ی دکتری به انجام رسانده و در صدد است که با تصحیح بخش دیگر دیوان ابن یمین، موفق به ارائه‌ی تصحیح انتقادی دیوان وی شود.

نتیجه‌گیری

ابن یمین فریومدی، یکی از برجسته‌ترین شاعران قرن هشتم است که نه در پناهگاه‌های امن شعر فارسی در عصر مغول بلکه در کانون آشفستگی‌های خراسان آشوب‌زده‌ی آن روزگار، در دستگاه ایلخانان و سرداران و آل کرت، زیسته و دیوان اشعارش از این حیث، حائز اهمیت بسیار است. ابن یمین، سراینده‌ی بهترین قطعات اخلاقی و اجتماعی در ادب فارسی و شاعر سرداران است که با ارادت و اعتقاد، امیران این سلسله را ستوده است. وی شرایط دشوار آن برهه‌ی تاریخی را زیسته و در شعر خود منعکس کرده و نهایتاً به انتقاد از شرایط حاکم بر جامعه‌ی خویش پرداخته است. دیوان این شاعر تاکنون دوبار تصحیح و چاپ شده است: نخست شادروان نفیسی «دیوان قطعات و رباعیات ابن یمین» را تصحیح و چاپ کرده و سپس مرحوم باستانی راد برای اولین بار اقدام به نشر دیوان کامل شاعر نموده است. از آن‌جا که بیش از هشت دهه از تصحیح مرحوم نفیسی و بیش از نیم قرن از تصحیح باستانی راد می‌گذرد و در این مدت، امکان دسترسی به نسخه‌ی فراهم شده که پیش‌تر برای مصححان محترم مقدور نبوده، تصحیح مجدد دیوان بر اساس نسخ نویافته، امری ضروری می‌نماید. از سوی دیگر، ایرادهای متعددی که بر دو تصحیح مذکور، مترتب است و پیش‌تر به تفصیل به آن‌ها اشاره شد؛ اشکالاتی نظیر «عدم رعایت اصول و موازین نقد و تصحیح متون، فقدان روش علمی تصحیح، قلت و ضعف منابع اولیه، خلط اشعار ابن یمین و...» لزوم تصحیح دوباره‌ی این دیوان را بیش از پیش اثبات می‌کند. پیراستن دیوان از تصحیفات و تحریفات راه یافته به آن، اصلاح اغلاط چاپی، ایضاح خلط اشعار ابن یمین با سروده‌های دیگر شاعران، مانند ناصر خسرو، سعدی، انوری و

بیش از همه ابن یمین شبورغانی و استمداد از دیگر متون ادبی و تاریخی مفید در فرآیند تصحیح و رفع ابهامات و دشواری‌هایی که از این رهگذر به دیوان شاعر راه یافته‌اند، از اهمّ اموری است که مصحح دیوان ابن یمین باید پیش چشم داشته باشد. تردیدی نیست که ارائه‌ی صورتی پیراسته و پاکیزه از دیوان ابن یمین، فصل جدیدی از تحقیقات ادبی و تاریخی را با تمرکز بر ابعاد مختلف شعر و شخصیت این شاعر در عرصه‌ی پژوهش‌های دانشگاهی خواهدگشود.



منابع

الف) کتاب‌ها

ابن‌یمین فریومدی (۱۳۱۵). *دیوان مقطعات و رباعیات و مثنویات*. با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. تهران: کتابفروشی مروّج.

_____ (۱۳۴۴). *دیوان اشعار*. با تصحیح و اهتمام حسینعلی باستانی‌راد. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.

امامی، نصرالله (۱۳۸۵). *مبانی و روش‌های نقد ادبی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات جامی.
حقیقت، عبدالرّفع (۱۳۶۳). *تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبش‌های ایرانی در قرن هشتم هجری*. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی.

خواندمیر، غیاث‌الدّین (۱۳۵۳). *حبیب‌التّسیر*. مجلد سوم. تهران: خیام.
رشیدیاسمی، غلامرضا (۱۳۰۳). *احوال ابن‌یمین*. تهران: کتابخانه‌ی شرق.

ریپکا، یان (۱۳۶۴). *تاریخ ادبیات ایران*. ترجمه‌ی ابوالقاسم سری. تهران: انتشارات سخن.
شریفی، محمّد (۱۳۸۷). *فرهنگ ادبیات فارسی*. تهران: انتشارات معین - فرهنگ نشر نو.

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۱). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: انتشارات ابن‌سینا.
مایل‌هروی، نجیب (۱۳۶۹). *نقد و تصحیح متون، مراحل نسخه‌شناسی و شیوه‌های تصحیح*

نسخه‌های خطّی فارسی. مشهد: آستان قدس رضوی.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۰). *مسائل عصر ایخانان*. چاپ دوم. تهران: انتشارات آگاه.
مصفا، ابوالفضل (۱۳۸۸). *فرهنگ اصطلاحات نجومی*. چاپ چهارم. تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی.

مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۷۱). *تحول شعر فارسی*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات طهوری.

ب) مقالات

جعفریان، رسول (۱۳۹۶، ۲ دی). «انحطاط در همه چیز با یادداشتی از باستانی‌راد». نشریه علمی-تخصصی *مطالعات نسخه‌های خطّی، اسناد و متون کهن* (manuscripts.ir).

حکمت، علیرضا (۱۳۵۳). «وضع ادبی و اجتماعی ایران از دیدگاه ابن‌یمین». مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی. به کوشش غلامرضا ستوده. انتشارات دانشگاه تهران. صص ۱۴۵-۱۲۶.

روغنی، زهرا (۱۳۹۴). «خیزش پهلوانان در دوره‌ی مغول». *تاریخ پژوهی* (مجله علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد). ش ۶۴. صص ۱۳۴-۱۰۹.

شادپور، حسن (۱۳۸۰). «بازتاب اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در اشعار ابن یمین». *مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت ابن یمین فریومدی*. سمنان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۷). «تصحیح متون با تأکید بر متون فارسی». *گزارش میراث*. شماره ۲۵ و ۲۶. صص ۱۰-۴.

هراتیان، اکرم (۱۳۹۶). «نقد تصحیح غزلیات ابن یمین فریومدی». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. دوره ۸. شماره ۲۹. صص ۱۷۰-۱۵۷.

ج) پایان‌نامه

نصیری شیراز، زهرا (۱۳۸۹). *تصحیح انتقادی دیوان مقطعات و رباعیات ابن یمین و شرح دشواری‌ها و ویژگی‌های سبکی آن*. پایان‌نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید چمران اهواز.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی